

## رهیافت ها و آموزه های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه

معصومه داج لیری<sup>۱</sup>

سطح دو حوزوی (کارشناسی)، حوزه علمیه فاطمه زهرا (ع) شیرود

### چکیده

این تحقیق، برآن است تا اولاً: با بهره گیری از مضامین آن؛ به عنوان راز و نیاز امام(ع) با پروردگار عالم و درخواست عنایات ویژه او، برای سعادت دنیوی و اخروی فرزندان، شیوه صحیح دعا درباره فرزند را، از سوی این پیشوای الهی، به پدر، مادر ها بیاموزد، و نیز آنان را با یکی از وظایف مهمشان، درباره فرزندان - یعنی دعا در حق ایشان - آشنا سازد. ثانیاً: مضامین عالیه این نیایش را، مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داده، بکوشد، تا رهیافت ها، رهنمود ها و آموزه های مهمی را که می توان از این دعای شریف - در راستای تعلیم و تربیت صحیح فرزندان - پیشاروی والدین، مربیان و دست اندرکاران نظام آموزش قرار داد، استخراج کند. امام سجاد(ع) با مضامین زیبا و گرانبگداری در خصوص دعای والدین در حق فرزندان در فرازهای مختلف آن را ابتدا با دعا در تربیت فرزندان از لحاظ جسمانی، روحانی، اخلاقی و تربیت دینی آغاز نموده و با درخواست توفیق اینکه فرزندان باقیات و صالحات ایشان باشند، با استعاذه و پناه بردن به خداوند از شیطان، یادآور غرور و بزرگی مکر و حيله و شیطنت شیاطین می گردد. بنابراین، آنچه در این پژوهش مورد اهتمام است استخراج این راهبردها و آموزه ها می باشد. آموزه های عملی و روش های علمی که در راستای بهینه سازی برنامه و روش های تربیتی مربیان- در خانواده و در محیط های آموزشی- کاربرد دارد. سپس سعی بر این خواهد بود که حقوق و وظیفه ی والدین بر فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات - و گاهی روان شناسی و جامعه شناسی و حقوق با محوریت دعای بیست و پنجم این صحیفه نورانی که تحت عنوان دعای والدین درباره فرزند می باشد- به دست آورد. بنابراین پرسش اصلی در این تحقیق آن است که چه رهیافت های کلی و آموزه های عملی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه در زمینه تربیت صحیح فرزندان و متریبان می توان استخراج کرد؟

واژگان کلیدی: آموزه های تربیتی، صحیفه سجادیه، امام سجاد و دعا

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: esmaeelgoleij@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۳۰

اساسی ترین معارف دین، شناخت و ایمان به بعثت انبیاء و حکمت های آن و اینکه: مهمترین وظیفه اولیاء دین، تربیت انسانها براساس آموزه های تربیتی است. تربیت در هر زمینه ای چه فردی و چه اجتماعی، در گرو داشتن شناخت و نگرش صحیح به خداوند، انسان، دنیا... است. به دست آوردن شناخت و نگرش صحیح در زندگی با بهره گیری از تعالیم بزرگان الهی میسر و ممکن می شود؛ و اعمال مناسب با الگوپذیری از آنها شکل می گیرد. در این میان صحیفه سجاده یکی از معتبرترین منابع معارف شیعه در این زمینه است؛ که دریایی از الطاف روحی و حقایق الهی و انواع خیر و نیکی و فضایل اخلاقی و طرق مختلف عبادت بوده و مشحون از حقایقی که به ما می آموزد تا چگونه درهای سعادت را به روی خویش بگشاییم چرا که حق متعال، انسان را برگزیده تا درسیر صعودی به بالاترین مراتب نائل گردد. صحیفه سجاده، به عنوان کلام امام هدایتگر و ولی الله معصوم (ع)، یکی از الطاف بزرگ الهی بر بندگان، یکی از زلال جلوه های مفاهیم و آموزه های معرفتی، دینی، اخلاقی و زیستی و نیز از مفیدترین ره توشه های معنوی و تربیتی، برای یک زندگی اصیل و پاک دنیوی و حیات ابدی و جاودانه اخروی با خود دارد. حقیقت آن تحفه ای است الهی که بر قلب عزیز این انسانها جاری شده؛ جامع و کامل است؛ و از منبعی سرچشمه می گیرد که مصون از هر گونه اشتباه و خطا است. زبان این کتاب شریف، زبان نیایش است و به گونه ای عرضه شده که هر خواننده به فراخور فهم و دانش خود از آن بهره می گیرد. امام سجاد (ع) در همه ی موضوعها، با شیوه های ابتکاری و خلاقیتی منحصر به فرد، تصویر روشنی از معارف اسلامی و جامع اسلامی زمان خویش را ارائه می دهد و تکلیف مسلمانان را بیان می نماید و بعضی از دعاها آن قدر پرمغز و عمیق و آموزنده است که می توان مکتب اخلاقی و تربیتی اسلام را در آن استنباط کرد. بی گمان شناخت و نگرش صحیح تربیتی و همیتی که در حیات انسانی دارد، دستاوردی است که از بهره گیری از آموزه های این کتاب شریف می توان به دست آورد؛ باشد که جزئی از این چشمه سار بهشتی بر گیریم و به کار بندیم.

مقاله حاضر، با ارائه مباحث مربوط به آموزه های تربیتی در دعای ۲۵، به استخراج و تحلیل برخی از، اصلی ترین مفاهیم بنیادی و راهبردی و نیز، برخی مصادیق آموزه های تربیتی از دیدگاه امام سجاد (ع) می پردازد. چه رهیافت های کلی و آموزه های تربیتی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده می توان استخراج کرد؟ از این دعای پر فیض، رهیافت ها و آموزه های متعددی در زمینه خطوط کلی و روش های عملی برای بهینه سازی تربیتی قابل استخراج است، که بعنوان نمونه به موارد زیر اشاره می گردد:

مثال اول: در عبارت: «اللهم و من علی بقاء ولدی و اصلاحهم لی»: «خدایا با ما ننگاری فرزندانم و اصلاح احوال آنها بر من منت بگذار»

- دست کم به یک راهبرد کلی، در آن می توان اشاره کرد:

- (۱) راهبرد کلی: اهتمام به بقاء و ماندگاری و سلامت فرزندان و تلاش در اصلاح امور آن ها.
- (۲) برخی مؤیدات قرآنی و روایی: همچنین برای رهیافت ها و آموزه ها در این دعای شریف مؤیدات قرآنی و روایی متعددی وجود دارد:

- مثلاً: آیه شریفه «... و اصلاح لی فی ذریتی» (آیه ۱۵ سوره احقاف):

«ونسل مرا صالح و شایسته گردان»، مؤید رهیافت فوق الذکر می باشد.

(۳) آموزه های رفتاری و عملی: از این راهبرد، آموزه های مختلفی به دست می آید، از جمله:

- بر طرف کردن عوامل منفی و آسیب های مختلفی که از نظر تغذیه یا خطرات محیطی، متری را تهدید می کند.
- همچنین در ارتباط با هر یک از راهبردها و آموزه های مذکور، نمونه های عملی متعددی قابل ارائه میباشد. به عنوان مثال در مورد حفظ سلامت فرزند می توان به موضوع: تهیه غذای مناسب برای رشد بدنی و روانی فرزند اشاره کرد؛

-اهتمام عملی در تهیه غذای سالم و حلال برای فرزندان که در جسم و روان آنان ارتباط مستقیم دارد.

فراز اول: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَ يَصْنَلَا حَيْهَمَ لِي وَ يَأْتِنَاعِي بِهِمْ»:

«خداوندا بر من منت گذار به بقای فرزندانم و به شایسته نمودن ایشان برای من»

### اهتمام و تلاش در راستای بهره دهی فرزندان - (متریبان)

«و با متاعی بهم»: «و به برخوردارگی من از آنان»

حضرت سید الساجدین (ع) در این نیایش و در این فراز از دعا، یک فرمول هرمی را ترسیم کرده اند. راس هرم، بقاء فرزندان که مهمترین قسمت هرم است و بعد از آن صالح بودن را ترسیم کرده اند چرا که ارزش فرزند به صالح بودن اوست و بهره مند شدن از فرزند در قسمت آخر هرم می باشد.

شاید در نگاه اول تنها برداشت از این فراز این باشد که امام از خداوند خواسته که فرزند کمک حال پدر و مادر باشد؛ البته بدون شک این موارد جزو وظایف فرزندان است و هر فرزندی که از تربیت درست - که راجع به بایدها و نبایدهایش است - بهره مند باشند، به صورت خودکار تمام تلاشش را برای خدمت هرچه بیشتر به پدر و مادر می کند.

در این مرحله، هرچقدر والدین و مربیان در زمینه های قبلی برای صالح بودن فرزندان و متریبان، اهتمام داشته اند؛ که با یک برنامه ریزی جامع می توان از آنها بهره ببرند و به این مهم دست یافت و در مرحله ای دیگر فرزند می تواند کمک حال والدین باشند.

طبعاً فرزندی را انسان می تواند به حساب خدا بگذارد که او تربیت الهی پیدا کرده؛ متدین باشد؛ اهل فسق و فجور و تضعیف اوقات و اینها نباشد؛ انسان می تواند به حساب خدا بگذارد

خدای متعال به ما می گوید که عمل صالح کنید تا پیش خدای متعال مأجور باشید، از عذاب الهی مأموم باشید اما به این اکتفا نمی کند، می فرماید اگر چنانچه نسل بعد از خودتان را هم تربیت کردید این هم یک حسنه ای است یک عمل صالحی است که می تواند شما را حاجب از آتش باشد. برخی رهنمودها، آموزه ها و وروش ها در پرتو این رهیافت:

۱- والدین هیچگونه توقع بهره مندی از وجود و کردار فرزند ندارند، تنها وجود او و سلامتی او را می خواهند؛ این روحیه و این طرز تفکر، اقتضای طبیعی طبع انسان است. اما قرار نیست انسان در محدوده اقتضا های غریزی باقی بماند؛ امام علیه السلام این روحیه را نمی پسندد و می گوید والدین باید توقع «تمتع» و بهره مندی از وجود و کردار فرزند داشته باشند؛ فرزند منهای بهره دهی به والدین، مساوی است با زحمت بی فایده

۲- والدین به میزان عقلانی، توقع بهره مندی از فرزندشان داشته باشند

۳- از آزادی متناسب با سن و نیازهای خود در چهار چوب ضوابط اخلاقی و تربیتی متعادل برخوردار باشد.

۴- به او مسئولیت های متناسب با سن و توانائیش داده شود.

۵- پدر و مادر انتظارات و توقعات خود را از فرزندانشان، متناسب با سن و تجربه کودک از او بخواهند.

۶- به کودکان برای همکاری فرصت دهید؛ و در صورت انجام دستور از آنها تشکر شود.

در این بخش، علاوه بر دعا درباره نیازهای تربیتی، اجمالاً این رهیافت تا و آموزه ها به دست می آید:

۱- در ابتدا بقاء برای فرزندان، متریبان الزامی است؛ و سایر خواسته ها در مرحله ی بعد از بقاء اهمیت دارند.

۲- بعد از حیات و بقاء مهم ترین کار، هدایت عناصر تربیت به سمت و سوی شایسته سازی و صالح شدن است.

۳- هرچقدر والدین و مربیان برای صالح شدن فرزندان و متریبان اهتمام داشته باشند؛ می توانند از آنها بیشتر و بهتر بهره ببرند؛ (و امتاعی بهم).

وظایف والدین نسبت به فرزندان

فراز دوم: «إِلَهِي امُدِّدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَ قَوْلِي ضَعِيفَهُمْ، وَ أَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِزْ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي أَرْزَاقَهُمْ.»

«خداوندا عمر آنان را برای من طولانی گردان، و بر ایام زندگی‌شان برای من بیفزا، و خردسالشان را برایم تربیت کن، و ناتوانشان را برایم نیرو ده، و بدن‌ها و دینشان و اخلاقشان را برایم به سلامت دار، و آنان را در جان و اعضا، و هر کارشان که به آن اهتمام دارم عافیت بخش، و برای من و به دست من روزی آنان را وسعت ده.»

امام سجاده(ع) با اینکه از استاد تربیت بالاتر است؛ در امر تربیت از خداوند کمک و یاری می‌خواهند که فرزندان را از نعمت عافیت بهره‌مند کند؛ چراکه صحت، سلامتی پس از بیماری است اما عافیت، سلامتی بدون هیچ‌گونه بیماری قبلی است. در فراز قبلی امام از خداوند می‌خواهد به فرزندان صحت و سلامتی در بدن و دین و اخلاق عنایت کند اما در فراز بعدی یک پله بالاتر می‌روند و از خداوند برای آنان طلب عافیت می‌فرماید.

– اهتمام و تلاش در راستای پرورش و نیرومندی فرزندان – (مترجمان)

– «رب لی صغیرهم وقولی

ضعیفهم» – «و خردسالشان را برایم تربیت کن و ناتوانشان را برایم نیرو ده»

از آن جایی که دوره کودکی دوران ضعف و سستی است؛ کودکان در این دوره حقوقی بر گردن والدین خود دارند که می‌بایست به آن‌ها بپردازند؛ و اگر آن حقوق را مراعات نکنند و ترک تکلیف کنند باید در آخرت پاسخ‌گوی رفتار خود باشند؛ تأکید بیش‌تری بر حقوق کودکان از سوی خداوند شده است؛ زیرا آن‌ها در این دوران نمی‌توانند از حقوق خویش دفاع کنند و خواهان اجرای عدالت و عمل به تکالیف از سوی والدین خود گردند. در این جاست که خداوند خود کفالت کودکان را به عهده گرفته و از والدین خواسته تا به حقوق کودکان پای بند باشند و از هرگونه ضرر و زیان به آنان خودداری کنند یکی از حقوق آنها حق تربیت است.

تعریف تربیت که همه آن را قبول دارند، این است که شناخت درست استعدادها و شکوفا کردن آنها و تشخیص نیازها و تأمین آنها طبیعتاً از بخش دوم، این تعریف مشخص است دلیل این همه تفاوت در تربیت، چیست؟ چرا که هر کسی بر اساس نظرات و عقاید خودش نیازها را تشخیص و اولویت بندی می‌کند و برای تأمین آنها قدم بر می‌دارد. اما در تربیت اسلامی قضیه فرق می‌کند.

امام سجاده (ع) در ادامه دعای خود برای فرزندان از خداوند می‌خواهد که آنها را در خردسالی از نعمت تربیت بهره‌مند کند. البته این دعا به معنای شانه خالی کردن از بار مسئولیت تربیت نیست و معصومین علیه السلام هم هرگز به ما دستور نداده‌اند که در تربیت فرزند صرفاً به دعا کردن اکتفا کنیم و دست به هیچ اقدامی نزنیم، بلکه معنای این دعا و سایر دعاها مشابه آن، این است که تربیت صحیح، تربیتی است که دستورالعمل‌هایش تماماً مورد تأیید خدا باشد و تنها راه شناخت و فهم این دستورالعملها، مراجعه به آموزه‌های فرستاده‌های الهی و اوصیای آنان است. ناگفته پیداست که چقدر فرق وجود دارد بین افرادی که بر اساس روش دینی فرزندشان را تربیت می‌کنند با کسانی که ملاک آنها فقط و فقط آموزه‌های غربی است منهای دین.

همدلی والدین تأثیر مهمی در محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند به دقت و درجه مراقبت خود نسبت به فرزندشان در هنگام بروز چالش و آسیب می‌افزاید و در زندگی فردی و اجتماعی وی مهر الفت را به ارمغان می‌آورند.

امام در ادامه فراز، نیرومندی فرزندانش را از خداوند می‌خواهد: «وقولی ضعیفهم»؛ که فرزند خردسال بعد از پرورش و تربیت لازم است؛ که نیرومند شود.

در تفاوت میان قدرت و قوت گفته شده «قدرت» یعنی اگر خواست کاری را انجام می‌دهد و اگر خواست ترک می‌کند؛ اما قوت به آن چیزی گفته می‌شود که شخص به واسطه آن توانایی انجام کارهای سخت را می‌یابد. ضعف نیز در لغت به معنای کم توانی آمده است؛ خواه این کم توانی در جسم باشد و یا در روح، صاحب ریاض را به سوءالحال، معنی کرده است.

علاوه بر تندرستی، داشتن فرزندان قوی و نیرومند از نظر جسمی و روحی از خواسته های امام زین العابدین (ع) است. در واقع ممکن است فرزندی تندرست و سالم باشد؛ اما قوت و توان کافی را برای انجام کارهای دشوار و گوناگون نداشته باشد و از جمله نتواند آن گونه که مورد توقع و انتظار والدین است؛ باشد.

محققان و کارشناسان و مربیان امور فرهنگی - تربیتی و مشاوران خانوادگی توانمندسازی خانواده‌ها و تجهیز آنان به این عوامل و چگونگی به کارگیری آنها را پژوهش کنند و سیاستهای پژوهشی و جهت گیری علمی، فکری و روانشناختی را متوجه تشکیل پایایی و پویایی روابط مطلوب عاطفی خانواده کنند تا والدین برای تربیت عاطفی و پرورشی نسلی فرهیخته و فرزندان کارآمد و مسئول آمادگی کافی پیدا کنند.

پاره‌ای از یادگیری‌ها به دلیل بی تجربگی و نا آگاهی کودک همیشه قرین با موفقیت نخواهد بود پدر و مادرها سعی کنند بیشتر به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های او تکیه کنند تا بر شکست‌ها و خطاهای او. برخی رهنمودها، آموزه‌ها و روش‌ها در پرتو این رهیافت:

- ۱- نیرومندی و توان جسمی و روحی بالای فرزندان نقش مهمی در ایفای وظایف ایشان به خدا، والدین و سایرین خواهد داشت.
- ۲- کودک در خانواده مورد پذیرش و توجه باشد و خود نیز به خوبی از آن آگاه باشد. (پاول هنری، ۱۳۶۸ش، ص ۳۴)
- ۵- زمان شروع تربیت دینی از دوران نونهالی است؛ چرا که فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و این، کارِ مربی را بسیار آسان می‌کند
- ۶- پیش شرط تأثیر امر و نهی والدین این است که خود آن‌ها عامل به مسائل و احکام دینی باشد و پیش شرط عامل بودن والدین، باور قلبی آنها به آموزه

#### - اهتمام و تلاش در راستای سلامت جسمی، دینی و اخلاقی فرزندان - (مترجمان)

- «و اصح لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم»: «بدن‌ها و دینشان و اخلاقشان را برایم به سلامت دار»

به نظر می‌رسد؛ درسی که بتوان از این فراز بگیریم این است که، پرورش بر تربیت مقدم است؛ پرورش دو محور دارد: پرورش جسم و پرورش شخصیت درون. تربیت بدون پرورش شخصیت درون، نتیجه‌ای نمی‌دهد، بلکه تربیت عین پرورش شخصیت درون است. آغاز و انجام تربیت فرزند، از شروع عمل جنسی پدر و مادر شروع می‌شود؛ چگونگی حفاظت از نطفه، کیفیت تغذیه مادر و جنین، «ویار»، رعایت یک سری امور در تولد، نامگذاری ای که معطوف به این زمینه تربیت باشد، تغذیه کودک، ختنه، تمرین الفبا، تمرین عبادات، و در یک جمله پرورش فطرت او و پرورش جسمش در جهت شکوفائی فطرت به حدی که او مدیر خود باشد.

پرورش، کار خداوند است؛ میان پرورش و تربیت فرق اساسی هست، اولین آیه قرآن می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: حمد خدای را که پرورنده همه عالم‌ها است. نه فقط انسان، بل میکروب، باکتری، گیاه، اتم، مولکول، کره، منظومه، کهکشان و... و... همه چیز را او می‌پروراند. کارپرورش در کنار اهتمام در دو بستر:

بستر اول: خداوند از کل جهان، هستی می‌گیرد و به آن شیء مورد پرورش می‌دهد؛ همه چیز را «تغذیه» می‌کند اعم از جامد، مایع، گاز، گیاه و جانداران.

بستر دوم: استعدادهاى بالقوه همه چیز را به فعلیت می‌رساند

خداوند از این کار و نقش عظیم خود و از صفت «ربوبی» خود، نقشی به عهده والدین گذاشته است، والدین کار الهی می‌کنند. پرورش یک امر تکوینی و ادامه کار خدا است که به انسان واگذار می‌کند.

خدا از والدین می‌خواهد که فرزند خود را تربیت کنند، و اصول و فروع این تربیت را در متن شریعت آورده است؛ والدین نیز باید از خدا بخواهند که با «خواست تکوینی» خودش، آنان را یاری کند تا کار تربیتی شان به نتیجه برسد. خداوند در شریعتش از انسان می‌خواهد که فرزندش را بپروراند. انسان هم باید از خدا بخواهد که با اراده تکوینی خودش، این وظیفه را برایش سهل و آسان کند. اگر خدا نخواهد، هیچ پرورشی نتیجه نخواهد داد، که می‌گوید: «وَرَبُّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوْلِي ضَعِيفَهُمْ»؛ و (خدایا) فرزندان صغیرم را برایم پرورش ده، و ضعیفان آنان را قوی کن. «وَأَصْحَابُ لِي أَوْلَادُهُمْ»؛ و بدن های شان را برای من سالم گردان.

آن گاه، به تربیت توجه کرده و می‌گوید: «وَأَدْبَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ»؛ و دین های شان را و خُلق های شان را نیز سالم کن. پرورش شخصیت درون به طوری که روح فطرت، روح غریزه را مدیریت کند، اصل و اساس تربیت است، سپس نوبت می‌رسد به جزئیات تربیت که در این صورت هیچ جنبه تحمیلی بر فرد مورد تربیت نخواهد داشت و فرد مربی که خود دارای فطرت سالم باشد از مربی گری خود لذت خواهد برد؛ و هم علم تربیت بر اهلش لذیذتر می‌شود. راهکارهای عملی در زمینه تربیت (جسمی، اخلاقی، دینی)

۱- از روش های مناسب و اثربخش: گاه برخی والدین در تربیت دینی فرزندان از روش هایی استفاده می‌کنند که دین را در کام فرزندان نشان تلخ و آنها را از دین گریزان می‌کند.

۲- توجه به سطوح تحول کودک: کودک از لحظه ای که متولد می‌شود، دگرگونیهای متنوعی را از نظر جسمی، روانی، عاطفی و شناختی تجربه میکند. والدینی در تربیت فرزندشان موفقند که این دگرگونیها را به خوبی ببینند؛ و تعامل و رفتارشان را با کودک، با آن دگرگونیها تطبیق دهند؛ و با شناخت ویژگیهای مراحل مختلف رشد کودک و نیازهای مرتبط با هر مرحله، از شیرخوارگی تا نوجوانی و حتی بزرگتر میتوانند به خوبی به کودک خود کمک کنند. (ر.ک. پاول هنری، رشد و شخصیت کودک، ص ۶۰)

۳- رعایت اصل تدریج در تربیت دینی: یکی از مهمترین اصول در تربیت دینی، اصل تدریج است. هر چیزی ظرفیت و اندازه های خاص دارد.

۴- انجام مناسک و شعائر مذهبی: نیز بذر معنویت را در دل کودکان و نوجوانان می‌افشاند. بحث های آزاد خانوادگی در مورد مسائل مذهبی، در درک کودکان از مفاهیم معنوی تاثیر بسزایی دارد. اگر این بحث به مقتضای سن کودک و متناسب با فضای فکری او باشد، بسیار گیرا و شیرین خواهد بود. بحث های معنوی میان والدین و کودکان، بستر مناسبی را برای نهادینه کردن مفاهیم مذهبی فراهم می‌آورد. از مسائلی که می‌تواند به رشد مذهبی کودکان در خانواده کمک کند.

۵- پرورش ابعاد روحانی انسان هم از ضابطه و قانون تدریج و تکامل پیروی می‌کن: پرورش دینی باید با برنامه ریزی زمانبندی شده متوازن، همراه با تربیت بدن و به پیروی از عقل، مبتنی بر شناخت نیازها، علایق و قابلیت ها انجام گیرد.

تربیت اخلاقی با مفاهیمی همچون وجدان، احساس گناه، نوع دوستی، همدلی، احترام، صداقت و... سر و کار دارد. کودک اخلاق محور، از دزدی، دشنام فریب، غیبت و... به دور است.

مفهوم اخلاق در روانشناسی، که از مفاهیم کلیدی است. این مفهوم به یک سلسله ارزش ها و باورهای درونی اطلاق می‌شود که به عنوان یکی از عوامل مهم مهارکننده عمل می‌کند. به این ترتیب وجدان از یک قضاوت ساده نسبت به درست و نادرست فراتر می‌رود و به مقام تشخیص و به کار بستن اصول و تکالیف و قوانین اخلاقی می‌رسد.

بیان نقش والدین در تربیت و سلامت اخلاقی فرزندان از فضای خانواده توسط امام سجاد (ع)، حاکی از اهمیت این امر در خانواده است؛ زیرا در بسیاری از مواقع، کج رفتاری فرزندان ناشی از نبود یا بی ثباتی قوانین اخلاقی در زندگی روزمره است. نوجوانان و جوانان در خانواده‌های آشفته، با مشکلات عدیده‌ای به خصوص در زمینه اخلاقی روبه‌رو هستند خانواده‌های متزلزل که بر اثر طلاق یا مرگ والدین از هم فروپاشیده‌اند، محیط مساعدتری را برای رشد رذایل اخلاقی فراهم می‌سازد.

یادگیری مشاهده ای فرزند و نیز تربیت الگویی و عملی والدین، جایگاه بسیار مهمی در تربیت فرزند دارد زیرا اغلب رفتارهای انسان، بر اساس یادگیری است و اولین و مهمترین پایگاه یادگیری افراد کانون خانواده است (فرگوسن، ۱۳۹۶، ص ۸۷)<sup>۲</sup>

– اهتمام و تلاش در راستای آشنایی فرزندان با ارزش دعا و خواستن بهترین ها از خداوند

«وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ»: «آنان را در جان و اعضا، و هر کارشان که به آن اهتمام دارم عافیت بخش»

در فراز قبلی گفته شد که امام سجاد (ع) می‌فرمایند که خداوند به فرزندان صحت و سلامتی در بدن، دین و اخلاق، عنایت کند. اما در فراز بعدی امام یک پله بالاتر می‌روند و از خداوند برای آنان طلب عافیت می‌کنند.

لازم است در این بخش از دعا، آخرین جمله را در اول مشاهده کنیم، می‌گوید: «وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ». عُنَيْتَ، یعنی «قصد شده ام»؛ «اراده شده ام»: کسی اراده کرده که من پدر شوم؛ کسی قصد کرده که من این نقش را داشته باشم. و با بیان ساده معنی «كُلُّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ» چنین می‌شود: «هر آنچه به عهده من گذاشته شده از امور فرزندان». یعنی من به عهده نگرفته‌ام، به عهده من گذاشته‌اند؛ مامورم؛ موظفم که این امور را به جای آورم. پس لازم است از آن قادر مطلق که این آفرینش را تدبیر و مدیریت می‌کند یاری بطلبیم.

سلامتی ظاهروباطن و عافیت در دین، دنیا و آخرت در صورتی که به نحو صحیح از آن بهره برداری شود، از اشرف اجل واعظم نعمت‌های حضرت حق به انسان است. عافیت در تمام امور، نعمتی زیبا و موهبتی بزرگ است. که وجود مقدس حضرت محبوب به عبدش عنایت می‌فرماید. (ر.ک. فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه سجاده، ص ۱۴۹)

بدون شک دوست داریم که بهترین‌ها را هم از او بخواهیم، چه برای خودمان و چه برای اطرافیانمان. اما از آنجا که ارزش نعمتهای خدا را به خوبی نمی‌دانیم، راه درست این است که پای دعای بهترین‌های خلقت بنشینیم و دعاهایی که آنها می‌کنند را تکرار کنیم. برخی رهنمودها، آموزه‌ها و وروش‌ها در پرتو این رهیافت:

۱- انسان بودن، در سایه‌ی خداوند آسان می‌شود

۲- انسان به بار آوردن، در سایه‌ی خداوند آسان می‌شود.

۳- تربیت و پرورش درست، مطابق خواسته‌ی آفرینش، و مطابق خواسته‌ی آفریننده‌ی آفرینش، می‌گردد

۴- عافیت یکی از نعمت‌های ویژه خداوند است.

عوامل رستگاری فرزندان در قبال والدین

فراز سوم: « وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتَقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِاَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَ لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، اٰمِيْنَ»:

<sup>۲</sup> - balson,maurice

«آنان را نیکوکارانی و تجهیز گاز و صاحبان بینش و پندپذیر سر به راهان را حق خود قرار ده که دوستدار تو را دوست و نیکخواه و دشمنانت را دشمنان و کینه ورزان باشند چنین باد!»

- **اهتمام و تلاش در راستای ایجاد بصیرت و آگاهی در فرزندان (متربیان)**

- «بُصْرَاءُ»: «صاحبان بصیرت»

شهید مطهری در کتاب بیست گفتار «بصیرت» را این چنین تعریف کرده است؛ بصیرت، عبارت است از نیروی تشخیص و تحلیل درباره هر چیزی و هر امری، که این بصیرت با انباشت اطلاعات، حاصل نمی شود؛ بلکه پیش و بیش از آنها، باتقوا و طهارت نفساز آلودگی های روحی و روانی است. حالا این سؤال پیش می آید که، آن بصیرت که امام برای فرزندان می خواهد، کدام درجه است؟ در پاسخ می توان با توجه به آیات و روایات پاسخ داد؛ که بصیرت در حدی برای انسان لازم است که بتواند به وسیله آن، انسانیت خود را با آن حفاظت کند.

امام علیه السلام واژه «بُصْرَاءُ» را پس از واژه «اتقیاء» آورده است، یعنی بصیرت به شرط تقوی، مطلوب و نعمت است، و الا بی بصیرت بودن بهتر از بصیرت ابلیسی است. خطر آبله بودن، برای انسانیت، کمتر از خطر شیطان بودن است. در این بخش امام زین - زین العابدین (ع) از پیشگاه خداوند متعال برای فرزندان خویش بینش و بصیرت مسئلت می نمایند. (ر.ک. رضوی، انسان و علوم انسانی در صحیفه سجاده، ج ۶، ص ۱۰۲) رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- بصیرت در پناه تقوا، مهم است.

۲- مهمترین تفاوت افراد با بصیرت با بقیه در دقتی است که افراد بصیر دارند.

### منشور حقوق والدین

فراز چهارم: «اللهم اشدد بهم عضدی واقم بهم اودی و کثر بهم عددی وزین بهم محضری واحی بهم ذکری واکفی بهم فی غیبتی و اعنی بهم حاجتی واجعلهم محبین وعلیّ حدیبین مقبلین مستقیمین لی مطیعین غیر عاصین ولاعاقین ولامخالفین ولاخاطئین.»:

«خداوندا بازویم را به وجودشان نیرومند، و اختلال امورم را به آنان اصلاح و تبارم را به سبب آنان بسیار و مجلسم را به وجودشان آراسته و یادم را به آنان زنده دار و در نبودم کارم را به وسیله آنان کفایت کن و به دست آنان در برآمدن نیازم مرا یاری ده. آنان را عاشق من گردان و مهربانانی که متوجه من و پیوسته فرمانبر من باشند و از من اطاعت کنند و روی در نافرمانی من نهند و نسبت به من نافرمانی و بدی و مخالفت و خطا نداشته باشند.»

- **اهتمام در راستای افزایش جمعیت در فرزندان (متربیان)**

- «واکثر بهم عددی»: «تبارم را به سبب آنان بسیارکن»

امام سجاد در این فراز نگفتند عدد آنها (فرزندانمان) زیاد بشود؛ بلکه به نظر می رسد؛ منظورشان این است به وسیله ی فرزندانم عدد من زیاد بشود.

«عدد» کنایه است؛ از لحاظ آماری منظور امام نیست شماره و عدد آنها (فرزندان) زیاد شود. «عدد» یعنی احساس قدرت مند کردن است

گاهی عدد از لحاظ آماری زیاد است ولی باعث توانمندی و کمک حال والدین نیست؛ و والدین با داشتن فرزندان زیاد احساس غربت دارند. که در فراز قبلی به فرزند لقب «عضد» داده اند و با توجه به این فراز «عدد» به معنای قوت و صلابت است.

یکی از راههای افزایش این نعمت (فرزند صالح) مانند بقیه نعمت ها، شکر نعمت است؛ چرا که براساس آموزه های قرآنی یکی از آثار شکر نعمت، زیاد شدن نعمت است.



جهت گیری کلی آیات و روایات، در راستای ازدیاد فرزند است اما باید به خاطر داشت در اسلام، امری که بیشتر از همه اهمیت دارد تربیت صحیح و دینی، تأمین نیازهای مادی و معنوی، در کنار ازدیاد فرزند است.

نتیجه آنکه، معیار در کثرت اموال و موالید از دیدگاه دینی آن است که اموال و فرزندان باید در حدی باشد که فکر و ذهن انسان را تا آنجا به خود مشغول نسازد که از دیگر امور مهم زندگی که در رأس آن ها عبادت و اطاعت الهی و امور معنوی و اخروی است بازماند؛ تکثیر نسل هر چند فی نفسه مستحب است اما قید و بند هایی دارد که باید آن ها را در نظر گرفت.

بنابراین می توان گفت که تکثیر موالید در همه شرایط و به طور مطلق مطلوب نیست و در عمل به این حکم، باید محدودیت ها را رانیز در نظر گرفت. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- فرزند می تواند از جهت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و... موجب قوت بازو باشد. پس تعداد این فرزندان قدرتمند باعث سر بلندی والدین هستند

۲- امروزه اکثر افراد جامعه به بهانه هایی همچون، وضعیت اقتصادی و تربیت صحیح فرزندان از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند؛ که این یکی از فتنه های شیطانی برای جلوگیری از فرزند آوری است.

- **اهتمام در راستای ایجاد زینت خانواده در فرزندان (متریان)**

- «**زین بهم محضری**»: «و مجلسم را به وجودشان آراسته کن»:

علاقه به فرزند خواهی، یک خواست طبیعی و فطری است که در تمام افراد بشر اعم از مؤمن و کافر وجود دارد از این جهت، تنها فرزندخواهی نمی تواند کافی باشد بلکه باید خواستار فرزندان پاک و صالح که نه تنها مایه ی گسترش شخصیت جسمی و مادی انسان گردد بلکه بوسیله ی آنها معنویت و پاکی انسان، نیز گسترش پیدا کند و مایه بقاء معنوی والدین، وسیله آموزش او و چشم روشنی و زینت والدین شمرده شود.

فرزندان و مترییانی که از اخلاق و علم درستی برخوردار باشند؛ زینتی برای مجالس والدین و مربیان محسوب می شوند همانطور که برخی از زینت آلات بهر می جویند اخلاق و علم برخی به قدری متعالی و خوب است که می تواند زیوری برای گوهری به حساب آید؛ چنان چه فرزند صالح، عالم و با اخلاق می تواند زیور و زینتی برای والدین و مربیان باشد چرا که مکارم الخلاق، آدمی را عزیز و گرامی می دارد.

والدین باید به عواطف فرزندان که از نیاز های طبیعی آنها است توجه کنند. چرا که سبب احساس آرامش، اعتماد به نفس می شود و با استفاده از استعداد های نهفته اش می تواند با دل گرمی و امید به موفقیت در مسیر زندگی گام بردارد از این رو فرزندان با چنین خصوصیات، زینت مجلس و زنده نگه داشتن یاد و نام والدین به شمار می آورند. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- مکارم اخلاق، باعث زینت فرزند انسان است.

۲- وقتی فرزندان کمک حال والدین باشند باعث توانمندی آنها شوند «عدد» باعث زینت برای والدین بحساب می آیند.

اهتمام در راستای زنده نگه، داشتن یاد والدین در غیبت آنها در فرزندان (متریان)

- «**واحی بهم ذکری، واکفنی بهم فی غیبتی**»: «و یادم را به آنان زنده دار و در نبودم کارم را به وسیله آنان کفایت کن»

یکی از مهم ترین فواید و برکات تربیت فرزند صالح، یاد انسان پس از مرگ هم زنده می شود و پرونده ی اعمال انسان بعد از وفات بسته نمی شود و کماکان ثواب و خیر در آن ثبت می شود.

بر عکس این روزها، زیاد می بینیم فرزندان هستند که نه تنها باعث دعای خیر دیگران برای والدینشان نمی شوند که در نقطه مقابل قرار دارند؛ یعنی به خاطر رفتارهای ناشایسته شان، هم آنها رانفرین می کنند و هم پدر و مادری که آن ها را درست تربیت نکرده اند.

نکته ای که از دقت در این فراز به دست می آید این است که یکی از عوامل رستگاری فرزندان و مصون ماندن آن ها از انحرافات، رستگاری و شایستگی والدین آنهاست.

سید الساجدین (ع) در این قسمت از دعا این پیام فهمیده می شود؛ که وقتی که من نیستم فرزندانم جایگزین من هستند باید سعی کنند، خلأ وجود مرا پر کنند و آبروی مرا حفظ کنند.

غیبت والدین گاهی موقت است و گاهی غیبت های طولانی مثل مرگ. والدینی که از دنیا رفته باشند. کارهای فرزندان برای پدر و مادر ثبت می شود؛ یعنی پرونده اعمال بعد از مرگ بسته نمی شود؛ آنها با تربیت فرزندان و شاگردان صالح و همچنین ایجاد سنتی مرگی برای آنها نیست بلکه امتداد دارد چرا که مرگ موقعی است که بین آدمی و پیرامونش کنش و واکنش نباشد می گوئیم موجود زنده مرده است ولی وقتی والدین و مربیان با حضور فرزندان و متریان زنده هستند مرگ کامل نیست. انسان کیس برای سالهای طولانی برنامه ریزی می کند تا سودجویی زیادی داشته باشد و سرمایه گذاری کند.

سرمایه گذاری برای فرزند و شاگردان یکی از جدی ترین سرمایه گذاری ها است؛ آن موقعی که والدین حضور دارند زینت آنها هستند و در غیاب آنها، برای آنها کافی و کفایتند؛ چرا که در عالم هستی به علت رابطه های سببی که بین والدین و فرزندان است؛ اعمال فرزندان چه صالح و چه فرزندان غیر صالح به سوی والدین برگشت می خورد و جزاء اعمال آنها محسوب می شود. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- سعادت و توفیق اثر دعای خیر والدین از مؤثرترین دعاهاست

۲- سعادت و موفقیت صرفاً به جهت دعای والدین نیکوکار نیست؛ بلکه به جهت اثر تربیتی آنان بر فرزندان است

۳- طبق آموزه های معصومین، هیچ فردی پس از مرگ از کارهای پیشین خود بهره ای نمی برد جز از سه چیز در دوران حیات خود کار نیکی را پایه گذاری کند؛ که پس از مرگ وی نیز به کار خود ادامه دهد و تا این کانون خیر برپا است؛ پاداشی از آن به روح وی می رسد عمل نیکی را در میان مردم رواج دهد و تا مردم بر آن سنت عمل می کنند ثوابی عائد او می گردد؛ فرزند صالحی که پس از مرگ وی در حق او استغفار کند.

### نظارت خدا به شیوه تربیتی والدین

فراز پنجم: «وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ»:

«و مرا در تربیت و خوبی کردن در حقشان یاری فرما و از عنایت خود علاوه بر آنان به من فرزندان ذکور بخش، و در این کار برایم خیر قرار ده، و آنان را در آنچه از تو می خواهم یاورم ساز»

با توجه به بحث های مفصل و درآموزه های قبلی فهمیدیم که تنها کسی که می تواند نقشه صحیح تربیت را بکشد، خداوند است. و فهمیدیم که امام سجاد (ع) که از تمامی مردم عالمتر است، باز هم در مسیر تربیت از خداوند کمک می خواهد. شاید لازم به یادآوری نباشد که جدا از تاثیرات تلاش برای موفق شدن در مسیر رسیدن به اهداف، دعای پدر برای فرزندش، تاثیر ویژه ای دارد.

یکی از مهمترین مشکلات روش های مرسوم تربیتی امروزه که البته در فرازهای گذشته اشاره شد؛ عدم ارتباط با عالم وحی و عالم حقیقی یعنی خداوند متعال است.

هنوز هم که هنوز است دانشمندان در حال کشف اسرار هستی هستند هنوز مانده تا بتوانند به انسانی که یکی از پیچیده ترین، موجود هستی است؛ کسی که علمی ناقص دارد نمی تواند برای تربیت دیگران نقشه بکشد.

که جایگاه واقعی انسان، کجاست و چه ارتباطی بین او و سایر اجزای هستی وجود دارد؛ را نمی داند؛ پس نمی تواند برای انسان تصمیم گیری کند.

بنابراین این امر تنها در اختیار خداوند است و به هر کدام از بنده هایش که اراده کرده باشد می دهد که طبیعتاً روان شناسان و دانشمندان غربی که اعتقادی به وجود خداوند ندارند، دسترسی به این علم پیدا نخواهند کرد.

- اهتمام و تلاش در راستای طلب اولاد ذکور برای همراهی والدین در فرزندان (متریبان)

- « هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَيَّ مَا سَأَلْتُكَ: » و از عنایت خود

علاوه بر آنان به من فرزندان ذکور بخش، و در این کار برایم خیر قرار ده، و آنان را در آنچه از تو می خواهم یاورم ساز»  
آقای فیض الاسلام در شرح این فراز چنین فرموده اند که: وجود مقدس حق، جل و علاء، از همه به ما نزدیکتر، به مصالح ما از خود ما آگاه تر و نسبت به ما از مهربان ترین مادران، مهربان تر است. بنابراین، آنچه ذات کبریاییش برای بندگان مقدر می کند، در عین حال که عین حکمت و تدبیر است، جلوه تام محبت و رحمت و کرامت او به ایشان نیز می باشد.

اوست که می داند داشتن فرزند به مصلحت ماست یا نداشتن آن و هموست که دختر یا پسر بودن حمل را بنابر تدابیر عاشقانه خود نسبت به بندگان مقدر می کند. آیا سزااست که درباره هدیه ای که مهربان ترین مهربانان، به عاشقانه ترین و حکیمانه ترین صورت ها به ما ارزانی داشته است چون و چرا کنیم؟

قرآن کریم و روایات شریف بر این معنا تاکید کرده کسانی که به آموزه های اصیل اسلامی آگاهی دارند می دانند که اسلام، کامل ترین و متعادل ترین دیدگاه ممکن را در مورد نسبت جنس مذکر و مؤنث دارد؛ نه قائل به مساوات بین آنهاست و نه معتقد به برتری یکی بر دیگری؛ بلکه آنچه که در نسبت بین آنها برقرار می کند عدالت است.

حضرت در این فراز از خداوند نخواست است که فقط فرزند پسر داشته باشد، بلکه فرموده است: «علاوه بر آنان» یعنی علاوه بر فرزندانی که داشته، باز هم فرزندان پسر نصیب ایشان شود.

بنابر نقل شیخ عباس قمی در کتاب منتهی الامال در بخش فرزندان حضرت سجاد علیه السلام، آن حضرت ۱۱ فرزند پسر و ۴ فرزند دختر داشته اند که گل سرسبدهشان امام محمد باقر (ع) است که مادرشان فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) بوده است. نکته دوم این است:

دلیل درخواست فرزند پسر توسط حضرت در خود دعا اشاره شده است. حضرت در این دعا از خداوند فرزندان پسری می خواهد که ایشان را در خواسته های خود یاری کنند. یکی از خواسته های حضرت که در فرازهای قبلی دعا خواندیم این است: «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَ اقِمْ بِهِمْ اُودِي، وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي» «خداوندا بازویم را به وجود فرزندانم نیرومند اختلال امورم را به آنان اصلاح کند و عددم را به زیادی آنان زیاد کن.» و در ذیل همان قطعه خواندیم که تداوم و تکثیر نسل از طریق پسران ادامه پیدا می کند.

لازم است این نکته کلیدی را یادآوری کنیم که در نگاه دین، ملاک برتری انسان ها با یکدیگر جنسیت و ملیت و قبیله و زندگی و پوست و مقدار ثروت و این امور ظاهری نیست. اما این مسئله یعنی ارتباط میزان کرامت به میزان تقوا، به معنای یکی بودن از تمامی جهات نیست، چون هر کدام از دو جنسیت دختر و پسر ویژگیهایی دارند که آنها را متفاوت کرده است.

برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- در معارف انسانی بین زن و مرد و دختر و پسر فرقی نیست و راه را خدا برای همه مقرر کرده است

۲- اگر پدر بخواهد؛ از فرزندانش بهره ببرد، البته از پسر، بهره بیشتری می برد و پسر می تواند خیلی از مشکلات او را در دوران سالمندی حل کند

برخی از مویدات قرآنی (در زمینه طلب پسر):

۱- «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (الحجرات، آیه ۱۳)

«ای مردم! ما شما را از جنسیت های مختلف مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله های متفاوت قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید بی تردید گرمیترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است»

۲- «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ اِنْتَا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ» (الشوری، آیه ۴۹)

«خداوند به هر کس بخواهد دختر هدیه می دهد و به هرکس بخواهد پسر می بخشد.»

۲-۵-۲-۳- برخی از مویدات روایی (در زمینه طلب فرزند پسر):

۱- امام صادق (ع): «البنون نعیم و البنات حسنات والله یسأل عن النعیم و یشب علی الحسنات» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶)

«پسران نعمت اند و دختران حسنه خداوند از نعمتها باز خواست می کند و برای حسنات پاداش می دهد.»

### شیطان و موطن آن

فراز ششم: «واعذتی و ذریتی من الشیطان الرجیم، فانک خلقتنا و امرتنا و نهیتنا و رغبتنا فی ثواب ما امرتنا و رهبتنا عقابه، وجعلت لنا عدواً یکیدنا سلطه مناعلی مالم تسلطنا علیه منه اسکتته صدورنا و اجرته مجاری دمانا، لا یغفل ان غفلنا و لا ینسی ان نسینا یؤمننا عقابک و یخوفنا بغیرک»:

«و مرا و اولاد مرا از شیطان رانده شده حفظ کن، که تو ما را آفریدی و به ما امر و نهی فرمودی، و در اجر اطاعت از امر خود تشویق، و به عذاب ارتکاب نهی خود تهدیدمان نمودی، و برای ما دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ می کند، و او را بر ما تسلطی دادی که ما را به آن اندازه بر او سلطه نیست، او را در دلهای ما جای دادی، و در مجاری خونمان روان کردی، اگر ما از او غفلت کنیم او از ما غافل نگردد و اگر فراموشش کنیم او ما را فراموش نکند، ما را از عقاب تو ایمن کند و از غیر تو بترساند»

- اهتمام و تلاش در راستای معرفی اوامر و نواهی خداوند در فرزندان (مترجمان)

- «فانک خلقتنا و امرتنا و نهیتنا و رغبتنا فی ثواب ما امرتنا، و رهبتنا عقابه»: «که تو ما را آفریدی و به ما امر و نهی فرمودی، و در اجر اطاعت از امر خود تشویق، و به عذاب ارتکاب نهی خود تهدیدمان نمودی»

سخنان امام سجاد (ع) در صحیفه، ترجمه ی درونی و غیرمستقیم قرآن در حوزه های موضوعی گوناگون است و چگونه سخن گفتن از خداوند و با خداوند و ادب دینی گفتگو کرده است.

نکاتی که امام در این فراز در «ورهبنتنا عقابه» آورده است قابل توجه عمیق است؛ ایشان نمی گویند: «ورهبنتنا عقاب ما نهیتنا» ضمیر «ه» در «عقابه» به همان «ما» بر می گردد. یعنی موضوع امر و نهی، فقط یک چیز است.

و اینکه برای زندگی با کرامت، به ما نسخه داده تا زندگی با انسانیت و سعادت مند داشته باشیم، و علاوه بر سعادت به همان سعادت نیز ثواب قراردادی؛ و زیربنا بودن ایمان شرط استحقاق ثواب است پس عمل افراد بی ایمان (مشرکان، کافران) ثواب اخروی در پی ندارد برای همین است قبل از این فراز امام اشاره ای توحیدی داشته اند: «فانک خلقتنا».

امر و نهی های الهی، گذشت از آن که روش زندگی در نظام هستی را به ما می آموزد، در بردارنده ی برنامه ای است که سهم به سزا در تکامل انسان دارد، از این رو اگر نادیده گرفته شوند باعث خروج از فطرت انسانی و ورود تدریجی به طبیعت حیوانی می شوند

این دستورها دارای نقش سومی نیز هستند و آن آزمایشی است که بر سر راه انسان در مورد اطاعت از خداوند متعال و شکر نعمت های او وجود دارد.

«أمرتنا و نهیتنا» این عین دین است و جوهره ی دین همین است. مطالب دین هم چون از کانون آفرینش صادر شده، گاهی وقت ها شاید آدم بتواند یک تناظری برقرار کند به میزان اهمیت به همان میزان هم ساده است.

در این فراز «ثواب» اصطلاح قرآنی است که برای اعمال نیک انسان است ثواب یعنی پاداش و جزای چیزی که از سوی پروردگار به بندگان مؤمن در برابر ایمان و کارهای نیک داده می شود

«عقاب»، سزا و جزای ناخوشایندی است که به بندگان کافر یا عاصی در عوض کفر یا کارهای ناروا و خلاف شرع می رسد.

بنابر مضمون آیات و روایات معصومین(ع) هر دو گونه ثواب در اختیار خداوند و از آن اوست و خداوند ثواب دنیا را به طالبان آن می دهد ولی آنان از ثواب آخرت بی نصیب اند در حالی که طالبان ثواب آخرت از ثواب دنیا بهره مندند.

پس پاداش برخی کارهای خیر و عقوبت برخی گناهان در همین دنیا به انسان می رسد(چه بسا) بخشی از آن به قیامت واگذار شود؛ که کوچکترین کار خیر یا شر مورد محاسبه قرار خواهد گرفت. آنچه انسان را مستحق عقاب می کند نافرمانی(عصیان) از دستورهای خداوند (احکام خداوند) است.

با توجه به سخنان سیدالساجدین(ع) و آیات قرآن، از روش تشویق برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازداري از رفتار ناپسند به صورت گسترده استفاده کرد. تشویق های خداوند در قرآن گستره ی وسیعی دارند هم از لحاظ افرادی که تشویق شده اند هم از نظر پاداش ها و هم به لحاظ مجریان این تشویق ها.

والدین و مربیان باید به این نکته اهمیت بدهند که تشویق و قدردانی در روح فرزندان و متریبان اثر مثبت می گذارد و آنها را به انجام دادن عمل نیک ترغیب می کند، به آنها نیرو و قدرت می بخشد تا بیشتر بکوشند تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک او می شود و حس خودپسندی و حبّ ذات انسان را اثناء می کند که هم موجب قوت قلب و هم موجب رضایت فرزند، متریبی می شود. (ر.ک، ایمانی، نافرمانی های کودکان و نوجوانان، ص ۱۶۰)

توجه به اینکه فرزندان هنوز تجربه ی کافی برای تمییز امور خوب از بد، راه را از چاه به دست نیاورده اند و این مهم به عهده ی والدین و مربیان است؛ که با تجربه ی خود آنها را از عواقب کارها و اعمال آگاه و مدیریت و راهبری کنند.

با توجه به سخنان سیدالساجدین(ع) و با توجه به آیات قرآن از روش تشویق برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازداري از رفتار ناپسند به صورت گسترده استفاده کرد.

تشویق های خداوند در قرآن گستره ی وسیعی دارند؛ هم از لحاظ افرادی که تشویق شده اند و هم از نظر پاداش ها و هم به لحاظ مجریان این تشویق ها.

والدین در کنا اهتمام باید به فرزندان بیاموزند که با مخالفت با اوامر الهی و انجام گناه و محرمات با بندگی منافات دارد و باعث سقوط انسان می شود. تشویق برای فرزندان است که عملکرد مطلوب دارند؛ بنابراین والدین و مربیان باید به این نکته اهمیت بدهند که تشویق و قدر دانی در روح فرزندان و متریبان اثر مثبت می گذارد آنها را به انجام دادن عمل نیک تر و قدردانی در روح فرزندان و متریبان اثر مثبت می گذارد و آنها را به انجام دادن عمل نیک ترغیب می کند به آنها نیرو و قدرت می بخشد تا بیشتر بکوشند. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتوی این رهیافت:

۱- کسانی که نعمت های الهی را دگرگون ساخته و کفر می ورزند و نشانه های خداوند را دروغ می شمارند؛ مستوجب عقابند.

۲- مومنانی که در اجابت دعوت خدا و رسول او سستی می ورزند؛ مستوجب عقابند.

۳- جایگاه اصلی حسابرسی، ثواب و عقاب قیامت است.

۴- تشویق، فرزند را اغناء می کند و موجب قوت قلب و نشاط او است

- اهتمام و تلاش در راستای آشنا شدن با موطن شیطان در فرزندان (متریان)

- «اسکنته صدورنا اجریته مجاری»: «و را در دل‌های ما جای دادی، و در مجاری خونمان روان کردی»

ادبیات قرآن و اهل بیت، «ادبیات امّی» است، یعنی «مردمی» است، مردم می گویند: فلانی طوری ترسیده بود که ترس همه جای بدنش را گرفته بود. معنی این سخن این نیست که آن حادثه از بیرون به داخل بدن وارد شده، بلکه این اثر ترس است که بدن را فراگرفته نه خود آن حادثه ترس آور؛ حادثه در بیرون است. امام هم می گوید: شیطان در همه مجاری خون جاری می شود. یعنی کار او اثری را در مجاری خون جاری کرده و به همه جای بدن می رسد؛ گاهی کسی در اثر غضب به خود می لرزد، یا در اثر انگیزش شدید شهوت، کینه، نگرانی و... می لرزد. اول اثر حادثه به قلب می رسد، سپس با جریان خون به همه جای بدن. (ر.ک. رضوی، انسان و علوم انسانی دصحیفه سجادیه، ج ۶، ص ۸۵)

از حکمت‌ها و نعمت‌های خداوند این است که قلب را در بیرون وجود ما قرار نداده است و طوری برنامه ریزی شد که با چند سنگ ریزه و چند خراش به قلب ما آسیبی نرسد و الا همه چیز از دست می رفت.

در این فراز امام می فرماید: شیطان در صدر است مگر با غفلت‌های خودمان به قلب راه پیدا می کند چون قلب ظرفی است که شرافت و تمام حقیقت انسانی به او بستگی دارد و قیمت انسان مساوی با ارزش آن است.

اگر انسان ناآگاه دریچه‌ی قلب خود را به روی همه چیز و همه کس باز کند خطای سهمگینی مرتکب شده است و جمال جان را به کمترین ثمنی وا گذارده است و خداوند متعال هرگز به دلی که در گرو مهر و یاد بیگانه است؛ رغبت نخواهد فرمود. (ر.ک. ممدوحی، شهود و شناخت، ج ۲، ص ۲۸۸).

کار شیطان، ورود به بدن انسان نیست، او فقط از بیرون تأثیر می گذارد؛ همان طور که یک حادثه خوب و یا حادثه غم انگیز که در خارج از بدن واقع شده، در وجود انسان تأثیر می کند و این تأثیر در شبکه رگ‌ها و مجاری خون جاری می شود، که البته گاهی همه جای بدن را تحت تأثیر قرار می دهد؛ مثلاً فردی که بشدت ترسیده است، کل بدنش می لرزد. برخی رهنمودها، آموزه‌ها و روش‌ها در پرتو این رهیافت:

۱ انسان جسم و روح دارد و غیر از این چیزی در وجود انسان نیست پس همانطور که روح مجرد است و در بدن جای دارد؛ شیطان نیز مجرد است به همه جای بدن وارد می شود

۲- طبق آیات و روایات شیطان، (خنّاس) است یعنی همیشه با انسان نیست؛ می رود و می آید و تنها در فرصت‌هایی به سراغ انسان می آید و در صدد فرصت است.

و عده‌های دروغین شیطان، آفت تربیت سالم

فراز هفتم: «ان هممنا بفاحشه شجعنا علیها وان هممنا بعمل صالح ثبطنا عنه یتعرض لنا بالشبهات ان وعدنا کذبنا، وان منانا اخلفنا، والا تصرف عنا کیده یضلنا، والا تقنا خیاله یستزلنا»:

«اگر به کاری زشت همت گماریم ما را به آن کار دلیر می گرداند و اگر آهنگ کرداری شایسته کنیم ما را از آن باز می دارد، دل آورد و هوس را بر ما عرضه می کند و در راه ما دام شبهه می گستراند، اگر به ما وعده دهد دروغ می گوید و آرزوی ما را بر نمی آورد و اگر مکر و نیرنگ او را از ما نگردانی ما را گمراه گرداند و اگر از دام او مارانپایی، دچار لغزش مان کند.»

- اهتمام و تلاش در جهت آگاهی از دعا در فرزندان (متریان)

- «و اّلا نصرف عنا کیده یضلنا و اّلا تفنا خیاله یستزلنا»: «و اگر مکر و نیرنگ او را از ما نگردانی ما را گمراه گرداند و اگر از دام او مارانپایی، دچار لغزش مان کند.»

دعا مغز عبادت است: در اینجا عمق معنی حدیث «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ» (مجلسی، ۳۶۴ش) بیشتر روشن می شود؛ درمان کید شیطان، دعا است. زیرا دعا کردن نشان می دهد که حس طمع دعا کننده در مسیر درست قرار گرفته است.

دعا بعنوان «صرفاً دعا» - با صرف نظر از مورد و موضوع آن، و با صرف نظر از مستجاب شدن و مستجاب نشدن - محض دعا کردن، هم دفع همه آسیب ها و آفت ها است و هم رفع آنها.. یعنی درمان هر آسیب و هر آفت شخصیتی است.

سید الساجدین (ع) در این فقره از دعا، به ما یاد می دهد که رهایی از شر شیطان، غیر از دعا راهی ندارد تنها پناه بردن به خداوند و استعازه است که شیطان را از انسان دور می کند این گرفتاری با دیگر گرفتاری ها فرق دارد.

از باب مثال کسی که گرفتار فقر شده، راه رهایی او تنها دعا نیست باید خودش نیز کار کند چنین کسی باید سه چیز از خداوند بخواهد: توفیق دعا، توفیق کار برای رفع فقر، رفع فقر.

اما برای رهایی از شیطان، کاری که انسان باید انجام دهد، همان دعا کردن است و کار دیگری نیست که انجام بدهد.

باز لازم است به معنی «خناس» که در فرازهای قبل مفصل توضیح داده شد توجه شود: ابلیس هم خناس است؛ انسان را زیر نظر می گیرد و هر گاه که او از ذکر خدا (دعا و استعاذه) غافل شد به او حمله می کند پس آن چه او را دور می کند و شرش را دفع و یا رفع می کند تنها دعا و یاد خدا است که گفته اند: شیطان از بسم الله فرار می کند.

بنابراین با صرف نظر از شیطان - اگر فرضاً شیطان وجود نداشت - باز هم انسان بدون خواست خدا به هیچ چیزی و هیچ کاری توانا نیست پس باید دعا مضطرب کرد؛ برای اینکه موجود خطرناکی به نام شیطان همیشه او را رصد می کند تا گمراهش کند. الدین نقش مهم و اساسی در تربیت صحیح فرزندان و هدایت آنان به مساجد دارند

باتوجه به اینکه نقش پدر و مادر در ترغیب فرزندان به انجام فرائض دینی به حالت مساعدت و کمک و مشاوره است؛ آنها باید سعی کنند در انتخاب دوستان فرزندان خویش، تامل جدی داشته و زمینه دوستی فرزندان با بچه های مسجدی را فراهم کنند

همچنین سعی کنند برنامه های تفریحی فرزندان و فرآیندی که نزد آنها از محبوبیت و مقبولیت خاصی برخوردار است را به عنوان امتیاز و تشویق به فرزند اختصاص دهند که اهتمام بیشتری نسبت به حضور در مسجد و نماز داشته باشند. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- ایمان به خدا، برای رهایی از وعده و وسواس شیطان.

۲- ذکر و یاد خدا به خصوص نماز و دعا برای حفاظت از شیطان بسیار مهم و سرنوشت ساز هستند

۵. با دوستان خدا همنشین بودن

#### خواستن همه حوائج با دعا

فراز نهم: «اللهم أعطني كل سؤلي واقض لي حوائجي، ولا تمنعني الاجابه وقد ضمنتها لي ولا تحجب دعائي عنك وقد أمرتني به، وامن علي بكل ما يصلحني في دنياي و آخرتي، ما ذكرت منه ومانسيت، أو أظهرت أو أخفيت، أو أعلنت أو أسررت.»

«خدا یا! همه خواسته هایم را عطا کن و همه حاجاتم را برآور و از اجابت دعا که اجابتش را برایم ضمانت کرده ای محروم مکن و دعایم را از درگاهت که مرا به آن دستور داده ای پوشیده مدار و هر آنچه در دنیا و آخرت سبب سر و سامان گرفتم شود به من عطا کن؛ آنچه را که از آن یاد کردم و آنچه فراموشم شد، اظهار کردم یا پوشیده داشتم، آشکار نمودم یا پنهان کردم»

- اهتمام و تلاش در راستای خواستن همه حوائج از خداوند در فرزندان (مقربان)

- «اللهم اعطننا كل سؤلي و اقض لي حوائجي»: «خدا یا! همه خواسته هایم را عطا کن و همه حاجاتم را برآور»

انسان موجود حاجتمند است و حاجت‌هایش به حدی گسترده است که خودش از شناخت آن‌ها و شمارش آن‌ها، عاجز است. تنها برخی از آن‌ها را شناخته و از خدا می‌خواهد بنابراین همیشه خواسته‌هایش بخشی از حاجت‌هایش است و به همین خاطر امام (ع) به ما یاد می‌دهد که دعا را به حاجت‌های شناخته شده و خواسته شده محدود نکنیم بلکه پس از آن‌ها، حاجت‌های ناشناخته و ناخواسته‌ی خود را نیز در بیان کلی بخواهیم.

انسان در شناخت حاجت‌هایش یک ناتوانی دیگری نیز دارد؛ در شناخت و شمارش حاجت‌های برآورده‌اش عاجز است اگر بنا بود خداوند فقط حاجت‌های شناخته شده خواسته شده‌ی انسان را بدهد نه انسان می‌ماند و نه «خواستش»، پس درباره‌ی حاجت‌های شناخته نشده‌ی بی‌شمارمان، چیزی که از دستمان بر می‌آید توکل است. نباید نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا بود باید آن‌ها را به عهده‌ی توکلی که به خدا کنیم واگذاریم. انسان در ناتوانی‌ها بویژه در مقام ناتوانی از شناخت حاجت‌ها و شمارش آن‌ها، توکل می‌کند. برخی رهنمودها، آموزه‌ها و روش‌ها در پرتو این رهیافت:

۱- حاجت‌های کوچک خود را خُرد و ناچیز شمارید. در نزد خدای متعال محبوب‌ترین مؤمنان آن کسی است که بیش از همه حاجت‌ها و خواسته‌های خود را از خداوند مسألت می‌نماید.

۲- در نزد خدای متعال احدی مبعوض‌تر از آن کس نیست که متکبرانه از عبادتش سر باز زند و چیزی از او طلب و درخواست ننماید.

### - اهتمام و تلاش در راستای شناخت موانع دعا در فرزندان (متریان)

- «و لا تعجب دُعایی عنک و قدأ مرتنی به»: «و دعایم را از درگاہت که مرا به آن دستور داده‌ای پوشیده مدار» در این سخن مفهوم گیری می‌کنیم که خداوند در عین حال که ما را به دعا امر کرده گاهی دعای ما را از رسیدن به او محجوب می‌کند و با هیچ اشکالی مواجه نمی‌شویم. زیرا هر امری می‌تواند و حق دارد کسی را به فعلی امر کند و به دلیل عدم رضایت از او، دعای او را نپذیرد.

با توجه به اینکه ائمه اطهار دعا‌های خود را از قرآن گرفته اند؛ در این فراز و این جمله، کلمه‌ی «ادعو» در آیه «ادعونی استجب لکم لکم» (غافر، آیه ۶۰) «بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما را» که با صیغه‌ی امر در آیه آمده، مطابق است. اما جمله‌ی قبلی به «استجب لکم» ناظر است که پیامی از وعده در آن دیده می‌شود.

یکی از موانع دعا برای اجابت دعا، مسئله «معصیت» است یعنی انسان که مرتکب معصیت می‌شود آن معصیت موجب می‌شود دعایی که انسان می‌کند به اجابت نرسد. اهل معرفت از آن تعبیر به «حجاب» می‌کنند. معاصی از آن حجاب هاست؛ که در اثر آن، خاصیت تضرع بی اثر و صدا گم می‌شود

نکته مهمی که والدین و مربیان باید به فرزندان و متریان خود گوشزد کنند؛ این است که باید حواسمان به دعا کردن‌هایمان باشد و تا حد مقدور آداب و شرایط دعا را فراهم کنیم. با اینکه خود عمل دعا کردن یک نوع عبادت محسوب می‌شود و همین که ما توفیق دعا کردن پیدا کرده‌ایم برخی رهنمودها، آموزه‌ها و روش‌ها در پرتو این رهیافت:

۱- وقتی که بنده‌ای دعا می‌کند و دعایش مستجاب نمی‌شود، احساس نکند که خداوند به وعده‌اش عمل نکرده.

۲- خداوند در استجاب دعا، وعده نداده بلکه تضمین کرده است اگر دعا، دعا باشد. خالص و کامل باشد به وعده مبدل می‌شود. وگرنه ممکن است. مستجاب شود. ممکن است مستجاب نشود

### توفیق پناهندگی وهم جواری در پناه خدا

فراز یازدهم: «المعوذین بالتعویذ، الرابحین فی التجاره علیک، المجارین بعزک، الموسع علیهم الرزق الحلال من فصلک الواسع، بحدودک و کرمک، المعزین من الذل بک، والمجارین من الظلم بعدلک، المعافین من البلاء برحمتک، والمغنین من



الفقر بغناک، والمعصومین من الذنوب والزلل والخطا بتقواک، والموفقین للخیر والرشد والصواب بطاعتک، والمحال بینهم و بین الذنوب بقدرتک، التارکین لكل معصیتک، الساکنین فی جوارک.»

« و مرا از آنانی قرار ده که به پناه آوردن به تو خو گرفته‌اند و از سودای با تو سود سرشار برده‌اند و پناهنده به عزت شدند و رزق حلال از احسان فراگیری به جود و کرم بر آنان فراخی و گشایش دادی و به وسیله تو از مدار خواری درآمده به تخت عزت نشستند و از ستم و جور، به عدالت پناهنده شدند و به رحمت، از بلا و مصیبت، سلامت همه جانبه یافتند و به غنای تو، از تهیدستی به توانگری رسیدند و به تقوای تو از گناهان و لغزش‌ها و خطاها، محفوظ ماندند و به طاعتت، به خیر و هدایت و درستی، توفیق یافتند و به قدرتت بین آنان و گناهان حائل و مانع ایجاد شد؛ رها کننده تمام معصیت‌های تواند، در جوار رحمتت ساکن‌اند »

- اهتمام و تلاش در راستای عزت جویی در پناهنده شدن به خدا در فرزندان (متریان)

- «المعوذین بالتعوذ بک»: « و مرا از آنانی قرار ده که به پناه آوردن به تو خو گرفته‌اند»

انسان بدون پناه نمی‌شود. بی پناهی و بی نیازی از پناه، فقط از آن خداوند است همانطور که تنهایی فقط از آن اوست. همان طور که نیاز از ذاتیات وجود انسان است؛ پناه جویی نیز از ذاتیات وجود اوست و با بیان دقیق -

اگر انسان احساس بی نیازی کند از اعتدال شخصیتی و روانی خارج می‌شود (متکبر)، در این صورت ظلم و ستم می‌کند.

برای اینکه انسان دچار احساس بی نیازی نشود؛ باید مطابق آفرینش خودش، خصلت پناهجویی از خدا را، داشته باشد تا «تنها» نباشد. اگر انسان خود را بی نیاز پنداشت هم بر قوا و استعداد های خود طغیان می نماید و هم بر حقوق و حدود دیگران، و هم خود را متوقف و فاسد می گرداند و هم دیگران را.

در تعالیم دین اسلام برای داشتن نسلی پاک و ذریه طیبه، ضوابطی تعیین شده است که تخلف از آن، می‌تواند عامل بدبختی، هلاکت و طغیان انسان شود. آداب آسمانی نکاح، لقمه حلال،

دعا، تربیت شایسته مبتنی بر تعالیم قرآنی و مدد الهی، نسل انسان را پاک و نورانی می‌کند و در مقابل بی‌مبالاتی و بی‌توجهی به این دستورات، انسان را در معرض هلاکت قرار می‌دهد؛ بنابراین باید همه زمینه‌های لازم برای تحصیل نسلی پاک فراهم شده تا فرزندان ناصالح، انسان را به طغیانگری نکشانند. قرآن کریم در سوره کهف، فرزند ناصالح را عامل طغیانگری می‌داند. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- اگر انسان خالقیت را و آن کرامت را درست درک نکرد. برای خود یک پروردگار کریمی که معلم اوست نشناسد، قهراً به میل خود عمل می‌کند.

۲- فرد مستغنی که دچار بیماری «حس استغنا» شده، از آن شیرینی آفرینش زندگی محروم است.

۳- کسی که در زندگی دنیوی، دچار بیماری (کبر) شود؛ نتیجه اش، سقوط به دوزخ آخرت است.

۴- طغیانگری انسان ناشی از این است که خود را مستغنی می‌بیند (علق، آیه ۷)

خیرخواهی برای دیگران

فراز دوازدهم: «اللهم اعطنا جميع ذلك بتوفيقك، وأعدنا من عذاب السعير، وأعط جميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات مثل الذي سألتك لنفسی ولولدی، فی عاجل الدنيا وأجل الآخرة، إنک قریب مجیب، سمیع علیم، عفؤ غفور، رؤوف رحیم.»: «خداوندا همه این امور را به توفیق و رحمت خود به ما عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ پناه ده، و به تمام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان همه آنچه را که برای خود و فرزندانم از تو خواستم در این جهان و آن جهان عنایت کن، که تو نزدیک و اجابت کننده، و شنوا و دانا، و عفو کننده و آمرزنده، و دلسوز و مهربان هستی»

- اهتمام و تلاش در راستای خواهش توفیق کارها در فرزندان (متریبان)

- «الهم اعطنا جميع ذالك بتوفيقك و رحمتك»: «خداوندا همه این امور را به توفیق و رحمت خود به ما عطا فرما»

در فراز قبلی امام اشاره به انسان صالح که در جوار همسایگی خداوند است را معرفی می کند که چه ویژگی هایی دارد؛ یکی از آن ویژگی ها، توفیق است.

تا سوال و درخواست نباشد اجابتی در کار نیست پس درخواست باید مطرح شود تا جواب دریافت شود و الا از جواب خبری نیست.

گاهی خداوند بدون سوال هم عطا می کند که این مرحله بعدی است و زمانی است که سراسر زندگی انسان الهی باشد در این صورت خداوند به لطف و کرمش بدون درخواست به او می دهد.

امام در این فراز به ما یاد می دهد که توفیق الهی نیاز است تا انسان اهل اطاعت باشد به تعبیری اختیار عمل دست ما است ولی توفیق آن دست خداست. برخی رهنمودها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- توفیق الهی انسان را به سوی عمل صالح می کشاند؛ و بعضی از مقدماتی که در ارتکاب گناه لازم است برای انسان فراهم نمی شود.

۲- انسان هم جوار و پناهنده به خداوند، توفیق در عبادت را دارد پس مشمول توفیق خداوند است.

- اهتمام و تلاش در راستای پناهندگی از عذاب (عدل) جاودانه الهی در فرزندان (متریبان)

- «أعدنا من العذاب السعير»: «و ما را از عذاب دوزخ پناه ده»

با توجه به ویژگی عذاب دوزخ (سعیر) که برخلاف آتش دنیوی از درون نیز می سوزاند، پس معنی «سوزان» مناسب تر و مد نظر امام زین العابدین بوده است.

آتش دنیوی از بیرون می سوزاند و به تدریج به درون نفوذ می کند اما آتش دوزخ هم از بیرون و هم از درون سوزاندنش را شروع می کند. و آتشی که از درون شروع می کند و چندان تناسبی با شعله و زبانه ندارد.

در این فراز امام زین العابدین (ع) از خداوند درخواست پناهندگی از عذاب جهنم (سعیر) و لغزش های انشان می کند. زیرا به خوبی روشن است که همه ی گرفتاری های انسان در جهنم مربوط به لغزش های اوست که از راه هوای نفسانی و شیطانی در آن واقع شده است. در واقع راه گریز از جهنم و پناه بردن به خدا، فرار از گناهان و نافرمانی ماست. هر چند امید به فضل خدا لازم و بایسته است. برخی رهنمودها، آموزه ها و روش ها در پرتو این رهیافت:

۱- تعیین حقیقت آتش جهنم، دوری و بریده شدن از خداوند است.

۲- حقیقت بهشت، قرب و مجاورت الهی است و ذات جهیم، نهایت هبوط و نزول و دوری از خداست و از این رو اهل آتش همگی از پیروان و دنباله کنندگان شیطان هستند.

### نتیجه گیری

در پایان این تحقیق سعی شده است تا مهم ترین رهیافت ها و رهنمودها ی تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه، بر تفکیک هر بخش ذکر شود. در پایان نیز برخی پیشنهاد های پژوهشی و کاربردی برای دست اندرکاران امور تربیتی ارائه شده است:

**بخش اول** - ابتدای نیایش امام سجاده (ع)، بقاء را برای فرزندان، (متریبان) را از خداوند خواسته اند؛ چرا که سایر خواسته ها در مرحله ی بعد از بقاء اهمیت دارد؛ بعد از حیات و بقاء مهم ترین کار، هدایت عناصر تربیت به سمت و سوی شایسته سازی و صالح شدن می باشد. هر چقدر والدین و مربیان برای صالح شدن فرزندان و متریبان اهتمام داشته باشند؛ می توانند از آنها بیشتر و بهتر بهره ببرند؛ (وامتاعی بهم).

**در بخش دوم** - از دعا طول عمر و سلامت فرزند و... که ضرورت و مقدمه تعلیم و تربیت و کسب کمالات انسانی است در تدبیر امور و گذر از طفولیت (رب لی صغیرهم)، سلامت و نیرومند سازی، نیز از لوازم رشد و تربیت است. سلامت دینی و اخلاقی عافیت جان (و روان)، در کنار عافیت در اعضا و جوارح و سایر امور آنان، به طور جامع باید مد نظر والدین باشد. والدین (به ویژه پدر) و مربی، در کودکی و سایر ادوار زندگی، نباید از جریان روزی (حلال) و امور اقتصادی آنان غافل باشند.

**در بخش سوم** - از دعا، اشاره به تربیت شده؛ در تربیت اسلامی ملاک پذیرش نیکوکاری، تقوا است؛ و تا فرزندان و متریان، خداوند را نشناسند نمی توانند با او ارتباط برقرار کنند. و همچنین صیرت در حدی برای انسان لازم است که بتواند به وسیله ی آن، انسانیت خود را با معیار کلید طلایی حفاظت کند.

کسی که سامع و اهل شنیدن شود و روح شنوا داشته باشد؛ از افکار دیگران استفاده می کند (از پیام های نبوت پیروی می کند) و دچار بیماری بی نیازی از دین نمی گردد. در نتیجه ی اهتمام اولیاء و مربیان در سه مورد بالا، فرزندان و متریان، دوستان خدا را دوست دارند و دچار رمیدن از مؤمنان نمی شوند و دشمنان خدا را دشمن و نسبت به آنها بغض دارند. (تولی و تبری).

**در بخش چهارم** - به این موارد اشاره شده است؛ که فرزندان در فضای مهر و محبت در محیط خانواده و روابط تربیتی فی مابین، از سوی والدین، می توانند در دوران مختلف زندگی، بسیاری از گره ها را از کار والدین بگشایند؛ و مبدأ خیراتی شوند؛ تعداد فرزندان و متریان قدرتمند، باعث سربلندی والدین و مربی هستند.

فرزندان و متریبانی که از اخلاق و علم درستی برخوردار باشند؛ زبیتی برای مجالس والدین و مربی محسوب می شوند. سرمایه گذاری برای فرزند و مربی، یکی از جدی ترین سرمایه گذاری هاست؛ آن موقعی که والدین حضور دارند؛ زینت آنها هستند و در غیاب پدر و مادر، برایشان کافی و کفایتند.

اسباب حفظ کانون خانواده، جریان محبت میان فرزندان و والدین است. (واجعلهم لی محبین) با تربیت خوب و مطلوب، فرزند و مربی با پدر و مادر و مربی خود همنوایی و همسازی می نمایند؛ و باعث منصرف شدن والدین از مسیر درست نمی شوند؛ بسیاری از والدین به دلیل نداشتن روش مناسب در برخورد با فرزند دچار شکست می شوند؛ و نتیجه ی آن نافرمانی فرزندان و عقوق والدین است.

**در بخش پنجم** - تربیت و پرورش فرزند، به همراه لطف خدا، تکیه بر توفیق الهی و توکل بر او بیان شده که برای والدین و مربیان خیلی جدی است؛ تا اینکه فقط بر معلومات خود متکی نباشند. و در معارف اسلامی، بین پسر و دختر فرقی نیست بلکه هر جنس ویژگیهایی دارند که آنها را متفاوت کرده است.

**در بخش ششم و هفتم و هشتم** - از نیایش امام شیطان و نیرنگ های آن را ترسیم کرده است؛ و به نقش والدین و مربیان با آموزش های مناسب (یاد خدا) می توانند؛ فرزندان و متریان را از ولایت شیطان دور و در پناه ولایت خداوند قرار می دهند؛ همچنین تشویق، قدردانی و آگاهی دادن از عواقب کارها، در روح فرزندان و متریان اثر مثبت دارد و آنها را ترغیب به عمل نیک می کند، شیطان هرگز از بین رفتنی نیست یعنی به هر مقدار به خدا توجه کنیم در واقع شیطان را در محبس محکم تری قرار داده ایم ولی به محض غفلت از بارداشتگاه خود خارج شده و در قلب می نشیند و فرمان وجود انسان را به دست می گیرد و باور به معاد، سبب حفظ انسان از تبعیت شیطان می شود.

والدین در کتا اهتمام باید به فرزندان بیاموزند که با مخالفت با اوامر الهی و انجام گناه و محرّمات با بندگی منافات دارد و باعث سقوط انسان می شود؛ تدبیر علیه دشمن (شیطان) همانند عاقبت اندیشی و هوشیاری در برابر دشمن سر سخت است به گونه ای که انسان بالحافظ توکل به خدا دچار غفلت و فراموشی نشود.

شیطان انسان را از نتیجه ی کردارهای نادرست ایمن می کند

از کارهای شیطان «تشجیع به فعل قبیح» است.

که شیطان برای در هم شکستن همت مستمر انسان، همواره انگیزه های صرفاً غریزی را پیش می کشد و اگر با پیش کشیدن و تهییج غریزیات موفق نشود؛ که مرحله ی بعدی است ایجاد شبهه می کندهر وعده ی شیطان، وعده نیست و کاذب است: خواه به آن عمل کند یا نکند. برای رهایی از شیطان، کاری که

انسان باید انجام دهد، همان دعا کردن است و کار دیگری نیست که انجام بدهد.

هر کس به همان نسبت که در مدیریت درون خود موفق است به همان نسبت از شر شیطان، معصوم است و صد البته عصمت انبیاء و ائمه علیه السلام، ماهیت دیگر دارد.

**در بخش نهم** - امام به ضرورت دعا اشاره می کند که انسان موجود حاجتمند است و حاجت هایش به حدی گسترده است که خودش از شناخت آنها و شمارش آن ها، عاجز است. تنها برخی از آن ها را شناخته و از خدا می خواهد؛ خداوند وعده می دهد که دعاهای شما را اجابت می کند.

این در حالی است که هیچ دعایی نیست که مستجاب نشود حتی دعایی که در این دنیا مستجاب نشود در آن دنیا ثوابی از آن دعا خواهد بودپس هیچ دعایی بدون اجابت نیست و به اصطلاح هدر نمی رود.

یکی از موانع دعا برای اجابت دعا، مسئله «معصیت» است یعنی انسان که مرتکب معصیت می شود آن معصیت موجب می شود دعایی که انسان می کند به اجابت نرسد. ما انسان ها دارای نیاز های آشکار و پنهانی هستیم. و درک و شناخت آن ها و پاسخ به آن ها، لازمه رسیدن به کمال و سعادت انسانی است. و این در گرو خواستن (دعا) از خداوند است. در این بخش، علاوه بر دعا درباره نیازهای تربیتی، اجمالاً این رهیافت ها و آموزه ها به دست می آید.

**در بخش دهم** - از دعای بیست و پنجم امام زین العابدین، اعتقاد به اینکه عزت انسان و تمام هستی از آن خداوند است؛ انسان را به چنان مرتبه ای از خدا باوری، رضا و تسلیم در برابر او می رساند که همه چیز را در خدا و از خدا می داند. و فردی که دارای کرامت انسانی است و متکی به خدا، در مقابل هیچ گرفتاری زانو نمی زند و در گرفتاری ها نمی لغزند و دست حاجت به سوی هیچ کس دراز نمی کند. و خود را به هیچ کس محتاج نمی بیند

**در بخش یازدهم** - امام نیاز را از ذاتیات وجود انسان می داند و همچنین استعاده و پناه جویی نیز از ذاتیات وجود اوست و با بیان اینکه

اگر چشم انداز انسان، آخرت باشد سود دنیوی را نیز خواهد داشت و اگر هدفش زندگی دنیوی باشد. مصداق «خسر الدنیا و الاخره» می گردد که وجودش و عمرش به خسارت می رود.

مراد از همجواری و سکونت، مکانی نیست زیرا خداوند مشمول مکان نیست. مراد آن سکونت و آرامش درون است که از حس «در پناه خدا بودن» حاصل می شود.

کسانی که در جوار عدل تو از ظلم رهیده اند؛ هرگز ظالم نمی شوند. نه «ظلم به نفس خود» و نه ظلم به دیگران. همواره رفتارشان مطابق عدل الهی می شود. در جوار و زیر چتر عدل خدا قرار می گیرند.

اگر کسی با انگیزه ، افزایش ثروت جامعه یا خدمت به مستمندان و ایجاد کار برای بیکاران بکوشد و در این کوشش به حدی قانع نشود. ستوده ترین نیت را دارد و هم آن آسایش روحی، بلکه لذت عمیق روحی را به دست می آورد و هرگز مصداق «درگیری با زندگی» نمی شود.

عافیت، دعایی است که همه انواع دعا ها و همه ی خواسته ها و نیاز های بشر را در بطن خود دارد گرچه باید و باز هم هر نیاز را به کام خود و به عنوان خاص خودش، موضوع دعا قرار دهیم.

وقتی که عافیت شامل انسان شود به فقر ممدوح دچار می شود. که کلید فتوحات اخلاقی و رشد معنوی است صفتی است که می شود به آن فخر ورزید و سرمایه انسان شد.

وقتی یک شخصیت معصوم سخن از گناه خود می گوید، برآستی خود را گناهکار و قاصر (و حتی مقصر) می داند، با این که معصوم است. زیرا او در بالاتر از خط عصمت می نگرَد، خدا را سزاوار آن عبادت و سپاس می بیند که هیچ کسی نمی تواند آن را به جای آورد.

انسان، همسایه ی خدا، سراسر صلح و آرامش است و به هیچ انسانی تعرض نمی کند مگر این که کسی قصد تعرض به او داشته باشد، او بدون هیچ واهمه ای از حق خود دفاع خواهد کرد. در قسمت دوازدهم از این نیایش هم جواری و توفیقات ان ذکر شده است.

**در بخش دوازدهم** - انسان هم جوار و پناهنده به خداوند، توفیق در عبادت را دارد پس مشمول توفیق خداوند است تعیین حقیقت آتش جهنم، حقیقت آن دوری و بریده شدن از خداوند است.

به خاطر مقدم داشتن دیگران در دعا، خداوند بلا را از او دور می کند و رزق و روزی اش را زیاد و درخواستش برای دیگران را به خود او هم مرحمت می فرماید.

خداوند عز و جل به انسان ها نزدیک تر از اسباب است. آنطور نیست که مشرکین پنداشته و خیال کرده اند؛ که بین آدمی و تقرب آنقدر فاصله است که نه فهم آدمی او را درک می کند و نه عبادت آدمی؛ پس وقتی او نزدیک تر از هر چیز به ما است، پس پاسخگوی ما نیز خواهد بود.

«سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، نوید بس امید بخش به انسان می دهد؛ یعنی اطمینان داشته باش اگر از خدا پناه بخواهی هم سخت را می شنود و هم بر حال پناهجویی تو دانا است.

خداوند غفور است هم در شرایطی از مجازات گناه صرفنظر می کند و هم در شرایط دیگر اصل گناه را کان لم یکن تلقی می کند.

کلمه ی «رحیم» بر نعمت دائمی و رحمت ثابت و باقی خداوند دلالت می کند، رحمتی که تنها به مؤمنین اضافه می کند و در عالمی اضافه می کند که فنا نا پذیر است و آن عالم است، در آخرین فراز از این دعا امام برای همه دعا می کنند.

**در بخش سیزدهم** - اینکه کسانی که در محضر قرآن از تربیت صحیح بر خوردار شوند درخواست موقت ندارند بلکه همه - درخواست های شان دائمی و ماندگار است؛ اینان تنها برای یک صحنه از زندگی درخواست نیک ندارند بلکه برای همه ی صحنه های زندگی شان تقاضای حسنه و در محضر محبوب ماندن را خواهانند.

### پیشنهادها و راهکارها:

برای درک دقیق تر از این کتاب - صحیفه سجادیه:

۱- احتیاج به انجام پژوهش های بیشتر و اساسی تر ضروری به نظر می رسد، ولی این امر مستلزم حمایت و تشویق هرچه بیشتر پژوهشگران و دانشجویان در مقاطع تحصیلی بالا است تا به این مهم بیشتر توجه گردد.

۲- با وجود اینکه این کتاب منبعی غنی از معارف است، اما هنوز به اندازه سایر کتب ادعیه و مناجات برای عموم مردم شناخته شده نیست و این نشانه ضعف در دادن اطلاعات کافی در مورد ویژگی های برجسته ی این کتاب به مردم می باشد. به نظر می رسد انجام یک سلسله پژوهش ها و برگزاری همایش هایی پیرامون این کتاب در آشنا کردن مردم با آن مؤثر باشد.

۳- برگزاری دوره های آموزشی در مدارس و دانشگاه ها برای نسل جوان به ویژه برای زوج های جوان قبل از تشکیل خانواده، به منظور آشنا شدن به حقوق و وظایف همدیگر، خانواده ها را به سمت و سوی توحید محوری و احترام متقابل می توان هدایت کرد، و جامعه را از بسیاری از خطراتی که خانواده و جامعه را تهدید میکند نجات داد. این امر مستلزم برنامه ریزی دقیق و درازمدت و هماهنگی سازمانها و نهاد های ذی ربط می باشد.

منابع

- ایمانی، محسن، ۱۳۹۱ش، چاپ اول، انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- فرگوسن، شری، مترجم: ن. پارسا، ۱۳۹۶ش، چاپ هشتم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی ۷ ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ناشر: فقیه چاپ، تهران سال چاپ ۱۳۷۶ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی و ترجمه کمره ای - ایران، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ و ترجمه موسوی همدانی - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴
- ممدوحی، حسن، شهود و شناخت، شرحی بر دعاها ی صحیفه ی سجادیه، نشر بوستان، چاپ هفتم، ۱۳۹۶ش
- هنری ماسن، پاول، رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسایی، ۱۳۶۸ش، چاپ اول، انتشارات سعدی